

ترجمه انگلیسی این مقاله نیز تحت عنوان :
Factors Strengthening and Threatening the Security Functions of the
Achaemenid
Coins (559-330 BC)
در همین شماره مجله به چاپ رسیده است.

مقاله پژوهشی

عوامل تقویت و تهدید کارکردهای امنیتی سکه‌های دوره هخامنشیان (۵۵۹-۳۳۰ ق.م)

رضا عبادی جامخانه^{۱*}، سینا فروزش^۲، محمد فرهادی^۳

۱. گروه تاریخ، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد علوم و تحقیقات، تهران، ایران.
۲. دکتری تاریخ، گروه تاریخ، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد علوم و تحقیقات، تهران، ایران.
۳. دکتری تاریخ، گروه تاریخ، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد علوم و تحقیقات، تهران، ایران.

تاریخ انتشار: ۹۹/۱۰/۱۰

تاریخ پذیرش: ۹۹/۰۶/۱۸

تاریخ دریافت: ۹۹/۰۱/۱۹

چکیده

سکه‌ها منابع مصور و معتبری از زمان‌های گذشته هستند که مطالعه آنها می‌تواند به روشن شدن بخش‌های تاریک تاریخ گذشتگان کمک شایانی کند. سکه‌ها در زمان‌های گذشته نقش امنیتی، تجاری و رسانه‌ای داشته‌اند. هدف این پژوهش بررسی عوامل تقویت و تهدید کارکردهای امنیتی سکه‌های دوره هخامنشیان (۵۵۹-۳۳۰ ق.م) با بهره‌گیری از روش تحقیق تاریخی و شیوه نگارش توصیفی - تحلیلی است. در گردآوری اطلاعات از منابع کتابخانه‌ای و اسناد و آرشیو موزه‌ای استفاده شده است. تجارت و ابزارهای داد و ستد همواره از مؤلفه‌های بسیار مهم حیات اجتماعی یک جامعه به شمار می‌آید، لذا در پژوهش حاضر تلاش شده تا این جنبه از تاریخ اجتماعی-اقتصادی با طرح این فرضیه که عوامل سیاسی و اقتصادی با کارکردهای امنیتی سکه‌های هخامنشی رابطه مستقیم داشته‌اند، مورد واکاوی قرار گیرد. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد عوامل تقویت‌کننده کارکرد سکه‌های هخامنشی را باید در اقدامات داریوش اول در زمینه توجه به زیرساخت‌های اقتصادی (جاده شاهی)، اداری (دیوان برید) و تدبیر در شیوه‌های مدیریت سیاسی (ساتراپ‌نشینی) جست‌وجو کرد. عوامل تهدیدزای کارکرد سکه‌های هخامنشی را نیز باید در سوءمدیریت سیاسی، اجتماعی و اقتصادی جانشینان داریوش مانند سیاست تقسیم سکه طلا در جنگ‌های پلوپونزی، استخدام سربازان مزدور، فساد دربار، افزایش قدرت ساتراپ‌ها و افزایش نرخ بهره و مالیات تحلیل کرد.

واژگان کلیدی: سکه، هخامنشیان، تقویت، تهدید، کارکردهای امنیتی.

مقدمه

ضرب سکه می‌کردند به یقین پیشرفته‌تر و متمدن‌تر به حساب می‌آمدند. هر زمان که اوضاع مملکتی منظم‌تر و حکومت‌ها غنی‌تر بودند، سکه‌ها با اشکال زیبا و هنرمندانه‌تری ضرب می‌شدند.

تاریخ سکه و کارکردهای آن در ایران به دوره هخامنشیان برمی‌گردد. داریوش هخامنشی (۵۲۲-۴۸۶ ق.م) اولین کسی بود که در ایران به ضرب سکه اقدام کرد. وی سکه‌های طلا و نقره به نام‌های «دریک» و «شکل یا سیگلس» به ترتیب به وزن ۸/۴۱ گرم و ۵/۶ گرم ضرب کرد. بر روی سکه، تصویر شاه

ضرب سکه دارای کارکردهای متعدد مذهبی، اقتصادی و سیاسی بوده و همواره تحت تأثیر عوامل تقویت‌کننده و تهدیدزا بوده است. سکه‌ها از دیرباز نشانی بر قومیت، حاکمیت، استقلال و آزادی بودند. امتیاز دیگری که ضرب سکه برای یک قوم داشت، آن بود که سکه‌ها نشانه پیشرفت تمدن و توجه به فرهنگ بود؛ یعنی مردمی که اقدام به

پیکان، خنجر و یا نیزه‌ای را گرفته و رو به راست می‌نگرد. طرح پشت سکه‌ها گودی مستطیل‌شکل نامنظمی را نشان می‌دهد که ناشی از ابزار ضرب سکه است. سکه‌های هخامنشی بیشتر با دو فلز طلا و نقره ضرب می‌شدند. سکه‌های طلای هخامنشی با نام «داریک» به وزن ۸,۴۲ گرم و سکه‌های «دو داریکی» به وزن ۱۶,۶۵ گرم ضرب می‌شد (گرشویچ، ۱۳۸۵، ۵۲۸-۵۰۷).

در امپراطوری هخامنشی سکه‌های شاهی-ساتراپ‌ها-استان‌ها با تصاویر شاه و سکه‌های محلی در کشورهای مغلوب ضرب می‌شد. پس از سال ۵۱۷ ق.م داریوش اول در سراسر امپراطوری هخامنشی واحد پولی ثابتی را رایج کرد. این واحد پولی بر مبنای سیستم پولی هخامنشیان برگزیده شد و شامل قطعه طلای مسکوک به وزن ۸/۴ گرم بود. ضرب پول طلا فقط به ضرابخانه سلطنتی اختصاص داشت. عیار این طلا ۳ درصد بود، و این معیار طی چندین سده پایه رواج پول‌های طلا در بازرگانی جهان به‌شمار می‌رفت (بابلون، ۱۳۸۸، ۵-۲۶).

رایج‌ترین وسیله مبادله، سکه نقره‌ای به وزن ۵/۶ گرم و معادل ۱/۲۰ پول طلا بود. نسبت بهای طلا و نقره با وزن مساوی در دولت هخامنشی، یک به ۱۳۱/۳ بود. فلزهای گران‌بهایی که متعلق به خزانه دولت بودند فقط به صلاح‌دید شاهنشاه ضرب و تبدیل به مسکوک می‌شدند (گراتوفسکی، ۱۳۸۹، ۹۲)؛ (جدول ۱).

عوامل تقویت‌کننده کارکرد امنیتی سکه‌های دوره هخامنشیان

استقرار شاهنشاهی هخامنشیان در سراسر آسیای غربی و پایان دادن به قدرت حاکمان این منطقه تمرکز بی‌سابقه‌ای به وجود آورد که عامل مهمی در توسعه فعالیت‌های تجاری و بازرگانی بود. علاوه بر این، سیاست اقتصادی داریوش و سعی او در تأمین راه‌ها و وسایل ارتباطی، دخول مقیاس‌ها و وزنه‌های جدید، رواج سکه و پول واحد در اقطار شاهنشاهی، و نظارت دولت در امور اقتصادی تحرک و جنبش بی‌سابقه‌ای در امور تجاری و بازرگانی ایجاد کرد. «گیرشمن» می‌نویسد: «با توسعه تجارت جهانی، سطح زندگی به‌طور محسوسی در ایران عهد هخامنشی بالا می‌رفت و مخصوصاً در بابل، سطح زندگی بالاتر از یونان بود» (گیرشمن، ۱۳۷۲، ۱۷۷). به ادعای «اومستد» نیز «در میان پادشاهان باستانی، کمتر فرمانروایی می‌یابیم که مانند داریوش به این خوبی دریافت داشته باشد که کامیابی یک ملت باید بر بنیاد اقتصادی سالم گذاشته شود»؛ او برای هماهنگ کردن وزنه‌ها، وزنه جدیدی به نام «کرشه» و پیمانانه جدیدی به نام «پیمانانه شاه» برقرار کرد (اومستد، ۱۳۹۳، ۲۵۱).

هخامنشی به شکل کمان‌دار پارسی و در پشت سکه نیز چند فرورفتگی مشاهده می‌شود. همچنین سکه‌ای از داریوش سوم به دست آمده است که خنجری را به دست گرفته است. در سراسر ایران هخامنشی ضرابخانه‌های سلطنتی بنابر آن چه احتیاج بود، سکه ضرب می‌کردند، ولی در مواقع لزوم و بروز جنگ، فرمانروایان یا ساتراپ‌های محلی سهم بیشتری برای ضرب سکه از خزانه سلطنتی دریافت می‌کردند. حال، پرسش اصلی مقاله حاضر این است که کارکرد امنیتی سکه‌های هخامنشی و عوامل تقویت و تهدید آن چه بوده است؟

ضرورت و اهمیت تحقیق

جستار درباره سکه‌ها به ویژه «کارکرد امنیتی آنها» با رویکردی متفاوت و یافتن نکاتی نو و بدیع است.

پیشینه تحقیق

سکه‌های پیش از اسلام در ایران موضوع مورد علاقه بسیاری از مورخان و محققان بوده است. از جمله «گرشویچ» در «تاریخ ایران»، هخامنشیان از جمله کسانی است که ابتکار ضرب سکه را در ایران به کورش نسبت داده است (گرشویچ، ۱۳۸۵، ۲۷۳)؛ «بابلون» موزه‌دار سکه‌ها در پاریس، «پوپ» در کتاب «سیری در هنر ایران»، و از بین محققان ایرانی دادور و مکوندی (۱۳۹۱)، فیضی، منتشری و محمدی لورون (۱۳۹۶)، آورزمانی (۱۳۸۰) و ملکزاده بیانی (۱۳۸۸)، مطالعه تخصصی خود را بر سکه‌های ایران متمرکز کرده‌اند و در این زمینه کتب «تاریخ سکه» تألیف کرده‌اند. از منابع مذکور و دیگر منابعی که کم و بیش به مطالعه موردی سکه‌ها پرداخته‌اند، هیچ‌کدام به تحلیل کارکردهای امنیتی سکه‌های هخامنشی نپرداخته‌اند.

روش‌شناسی تحقیق

اطلاعات این تحقیق به شیوه کتابخانه‌ای و با مراجعه به اسناد موزه، کتب، مقالات، کتیبه‌ها و سکه‌های هخامنشی صورت گرفته است.

سکه‌های هخامنشیان

سکه‌ها علاوه بر ابزار تجاری مبادله کالا، کارکرد امنیتی-سیاسی داشته‌اند. شاهان با نقش تصویر خود و نیز تصاویر نمادهای مذهبی، آیینی و سیاسی بر روی سکه‌ها، نظام اعتقادی هماهنگ و یک‌سویی را در جامعه تبلیغ می‌کردند. ویژگی سکه‌های هخامنشی در این است که عموماً یک‌رو ضرب می‌شدند. طرح روی سکه‌ها پادشاه را در حالی نشان می‌دهد که در یک دست کمان دارد و با دست دیگر خود

جدول ۱. تقسیم‌بندی‌های سکه‌های هخامنشیان. مأخذ: رضایی باغبیدی، ۱۳۹۱، ۵ و ۶؛ بابلون، ۱۳۸۸، ۲۶-۸.

ردیف	ویژگی‌های سکه‌های هخامنشی	تصاویر سکه
۱	نیم‌تنهٔ کمانداری ریش‌دار که تاجی کنگره‌دار بر سر و قبایی آستین‌گشاد بر تن دارد و نیم‌رخ راستش نمایان است. این کماندار کمانی در دست چپ و دو تیر در دست راست دارد. از این نوع تاکنون فقط چند سیگلس به دست آمده است.	
۲	سکه‌هایی که در آنها در کنار ریش کماندار برجستگی‌ای وجود ندارد.	
۳	سکه‌هایی که در آنها پایین قبای کماندار، برخلاف دو نوع پیشین، روی زانوی پای چپ نخورده، بلکه به صورت تقریباً نیم‌دایره از زانوی پای چپ تا قوزک پای راست امتداد یافته است.	
۴	تصویر تمام‌قد کمانداری با ویژگی‌های ظاهری نوع ۱ که تیردانی بر پشت بسته، کمانی در دست چپ و خنجری در دست راست دارد و با زانوان خمیده در حال دویدن است.	
		

کلیهٔ کشورهای مجاور به‌ویژه «یونان» بسیار رواج داشت؛ به‌گونه‌ای که بانک‌داران بیگانه با رغبت بسیار سکهٔ هخامنشی را می‌پذیرفتند و قسمت مهمی از دادوستدهای بانکی خود را با آن انجام می‌دادند. سکه‌های زر را دریک (داریک) و سکه‌های نقره را سیگلولی می‌گفتند. وزن دریک ۸/۴۲ گرم و وزن سیگلولی ۱۰/۷۵ گرم بود. عیار سکه‌های دریک بسیار بالا بود و با آزمایش روی نمونه‌های به‌دست آمده معلوم شده است که فلزش تنها ۳ درصد آلیاژ داشته است. این خلوص بالا باعث رواج این سکه شد و همواره سکه‌های طلای هخامنشی سخت معتبر بودند. در اواخر دوران هخامنشی دو دریکی هم ضرب شد. کیفیت سکه‌های زر

بنا به نوشتهٔ برخی از مورخان، داریوش اول دستور ضرب سکه دریک را اواسط نخستین ماه زمستان سال ۵۰۴ ق.م صادر کرد. این سکه‌ها به سرعت از مصر تا هندوستان به‌کار رفت و دشواری‌هایی که میان قوم‌ها و ایالت‌های گوناگون ایران در امر دادوستد وجود داشت، برطرف شد. سکه دریک زرین تنها به فرمان شخص پادشاه ضرب می‌شد، اما سکه‌های سیمین چنین وضعی نداشت. داریوش اجازه داده بود. تا ساتراپ‌های او سکه‌های سیمین مورد نیاز را در ضربخانه‌های واقع در قلمرو فرمانروایی خود ضرب کنند. سکه‌های دریک در

شخص دیگری حک نشده و در پشت سکه‌ها نیز عموماً تصویر خاصی حک نشده است؛ تنها فرورفتگی‌های چهارگوش نامنظمی که شاید نماینده تصویر خاصی باشد، در پشت مسکوکات نمایان شده است. دریک‌ها، دو دریک‌ها، شکل‌ها و برخی از سکه‌های نقره که به وسیله ساتراپ‌ها و سلسله‌های تابعه ضرب شد، عموماً دارای نقش کماندار پارسی و یا تصویر شاهی که با شیر می‌جنگد و یا در گردونه خود ایستاده است و نیز در بعضی انواع سکه‌ها تصاویری شبیه شاهان مختلف هخامنشی از زمان داریوش اول تا داریوش سوم دیده می‌شود. «شارل لنورمان» در ۱۸۴۹م. در این باره نوشته است سرهای اشخاصی که در روی این سکه‌ها (دریک) دیده می‌شود به دو نوع متمایز تقسیم می‌شود: سکه‌ها با بینی مستقیم و کشیده بیشتر از سایر سکه‌ها دیده می‌شود و باید متعلق به تصویر خشایارشا باشد. سکه‌هایی که تصویر شاه آن دارای بینی مستقیم و کشیده است آنها را متعلق به داریوش می‌دانیم (بابلون، ۱۳۸۸، ۱۴)؛ (تصویر ۱).

عوامل تهدیدکننده کارکرد امنیتی سکه‌ها در دوره هخامنشی
 هخامنشیان پیش از روی کار آمدن از مردم فارس کسب قدرت کردند، اما پس از تشکیل سلطنت، سرچشمه قدرت آنان عبارت از املاک وسیعی شد که در سراسر امپراتوری هخامنشی وجود داشت. با زوال شاهنشاهی هخامنشی، شهربانان عملاً از استقلال برخوردار شدند؛ خاصه پس از آنکه برخلاف قاعده اصلی چنین مرسوم شد که آنان را به سپهسالاری شهرستان خود نیز بگمارند. ظاهراً «اسکندر» که «داریوش سوم» را در ۳۳۰ پیش از میلاد برانداخت و همچنین سلوکی‌ها، آداب و سنن اصلی هخامنشی را ادامه دادند... (لمبتون، ۱۳۳۹، ۵۲). تمام سلاطین خاندان هخامنشی از روش عاقلانه «کورش» و «داریوش» پیروی نکردند، بلکه در ناز و نعمت و فساد و خودخواهی فرو رفتند.

ضرب سکه در عصر داریوش نشان از آغاز حکومتی باثبات، دارای آرامش و امنیت و رونق تجارت است؛ اما دیری نپایید که سودجویان این نماد اقتدار و امنیت شاهنشاهی هخامنشی را با بالابردن نرخ بهره‌های بانکی تهدید کرده بودند؛ ظهور بانک‌های خصوصی، یکی از پدیده‌های جالب اقتصادی در این دوره است. اومستد می‌نویسد که کار وام‌دادن در دست پرستشگاه‌ها بود که تنها واحد بزرگ اقتصادی بودند. وام‌های کشاورزی ظاهراً بدون بهره بود، ولی قید می‌کردند که اگر وام سر خرمن پس داده نشود، صدی ۲۵ بر آن افزوده شود. در وام‌های غیرکشاورزی نرخ بهره صدی بیست بود. اگر وام‌گیرنده شخص معتبری نبود جریمه‌های سخت (در صورتی که وام در سر موعد پرداخت نمی‌شد) به آن افزوده می‌شد. در مورد اشخاص غیرمعتبر معمولاً وام‌دهنده، یک خانه، یک تکه زمین، یا یک برده به‌عنوان گروگان می‌گرفت. در این موارد، اجاره‌ای برای گروگان و بهره‌ای برای پول منظور نمی‌شد. اگر بدهکار در پرداخت کوتاهی می‌کرد، بستانکار گروگان را به چنگ آورده بود. وام‌های دیگری بود که هم‌گرو و هم‌بهره می‌خواستند و قید می‌کردند: «هرچه که در شهر و بیرون شهر از آن اوست، گرو است» (سامی،

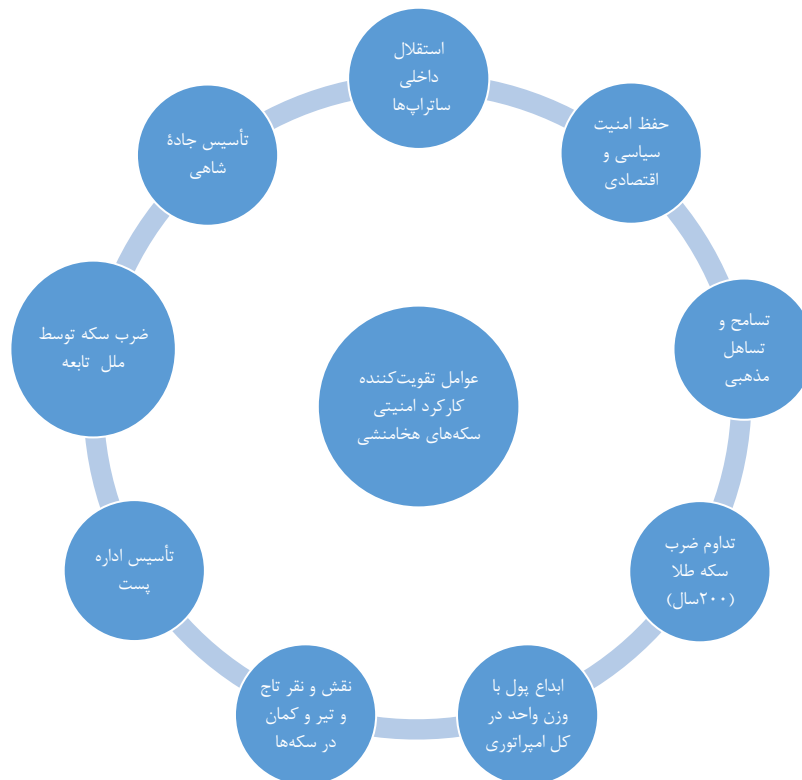
در تمام دوران هخامنشی ثابت ماند. دریک‌ها و سیگلو‌ها دارای نقش «کماندار پارسی» بودند. این نقش در طول دو قرن سلطنت هخامنشیان تغییر کرد. از آنجاکه سکه‌های هخامنشی تاریخ ضرب ندارند، از روی قراین دیگر، نقش‌های مربوط به دوران هر پادشاه را تعیین کرده‌اند. سکه‌های هخامنشی جز موارد استثنایی تنها در یک‌سو دارای نقش هستند و پشت آنها معمولاً فرورفتگی مربع‌شکل و ناهمواری‌های نامنظمی دیده می‌شود (بیانی، ۱۳۸۱، ۶۲-۷۲).

از دیگر عوامل تقویت‌کننده کارکرد امنیتی سکه‌های دوره هخامنشیان رابطه تأثیرگذاری آن با اقداماتی از قبیل ایجاد چاپارخانه و پست، تأسیس سازمان چشم و گوش شاه، ضرب سکه توسط ساتراپ‌های بزرگ، سیاست تساهل و تسامح مذهبی داریوش اول، نقش و نقر تیر و تاج شاهی در روی سکه‌ها، ایجاد وزن و پول واحد در تجارت و بازرگانی، استقلال داخلی ساتراپ‌ها، اهمیت‌دادن به راه آبی، ایجاد امنیت سیاسی و اقتصادی و از همه مهم‌تر تأسیس جاده شاهی بوده است. داریوش هخامنشی برای حفظ ارتباط بین مراکز مختلف شاهنشاهی و پایتخت‌های آن، شبکه‌ای از منازل عرض راه تشکیل داد که وسعت و اهمیت آن چندان بود که مدت‌ها پایدار ماند. این جاده‌ها که در درجه اول برای امور اداری به کار می‌رفت، بازرسی و مراقبت می‌شد و مبادلات تجاری بین دولت‌های مختلف را تسهیل می‌کرد. ساختمان جاده‌ها به همان نسبت که بر امنیت می‌افزود، سرعت حمل‌ونقل را نیز تأمین می‌کرد. در سراسر این جاده‌ها که از شوش-پایتخت اداری مملکت- منشعب می‌شد، دادوستد و بسط فرهنگ و مبادله افکار و عقاید نیز در سایه پرچم شاهنشاهی توسعه می‌یافت (فرای، ۱۳۹۳، ۱۷).

به عقیده «فرای»، وجود دو بیابان نمک‌زار، یعنی دشت کویر و دشت لوت که چون سدی شرق و غرب را از هم جدا کرده، سبب شده بود که از دیرباز انبوه مهاجران و مهاجمان به سوی هندوستان و یا به سوی بین‌النهرین روی آورند. باین‌حال، یک راه بازرگانی از نزدیک تیسفون آغاز می‌شد و از شهرهای کرمانشاه، همدان، و تهران کنونی تا هرات ادامه می‌یافت. سپس، یک راه به سوی شمال شرقی می‌گرایید و به مرو و بخارا و سمرقند می‌رفت و راه دیگر از سمت جنوب به سیستان و از سمت شرق به قندهار و از روی کوه‌ها به دشت‌های سند می‌رفت. راه‌های دیگر از تهران یا همدان از سمت شمال به آذربایجان و ارمنستان و دریای سیاه یا دریای خزر می‌رفتند یا از سمت جنوب به اصفهان و فارس محدود می‌شدند. اما راه عمده تاریخی، راه مشرق به مغرب بود که آن را به نام «راه بزرگ خراسان» یا «جاده ابریشم» می‌خواندند (همان، ۱۸).

تداوم نقر و نقوش (تیروکمان) در سکه‌های هخامنشی به عنوان نماد سراسر امپراتوری

یکی از مهمترین نقوش سکه‌های این دوره تداوم تصویر تاج شاهی به‌عنوان نماد قدرت، مشروعیت و امنیت اجتماعی - سیاسی بوده است. بر روی سکه‌های هخامنشی غیر از تصویر شاهنشاه، تصویر



تصویر ۱. عوامل تقویت کننده کارکرد امنیتی سکه های هخامنشی. مأخذ: نگارندگان.

(۱۳۴۳، ۷۸).

از دیگر عوامل تهدیدکننده کارکرد سکه های هخامنشی بهره بانکی بالا، رشوه درباریان، افزایش مالیات در ملل تابعه، فراموشی آیین و مرام نیک کورش دوم، معروف به «کورش بزرگ»، افراط در خوشگذرانی و تنبلی فرماندهان نظامی، ضعف سازمان چشم و گوش شاه و شورش پی در پی ملل تابعه بوده است. از اواخر دوره داریوش به بعد، سلاطین هخامنشی فقط در اندیشه گردآوری مالیات و انباشتن شمش های زر و سیم در گنجینه های خود بودند (همان، ۷۹).

درحالی که هزینه خوراک، پوشاک، مسکن و دیگر ضروریات زندگی، از اواخر عهد داریوش، سیر صعودی طی می کرد؛ درآمد و مزد طبقات فعال جامعه همچنان ثابت بود و به این ترتیب روز به روز از قوه خرید اکثریت کاسته می شد. بدون تردید اگر پادشاهان هخامنشی پول های کلانی را که به زور به نام مالیات از ملل خاورمیانه گرفته بودند، در راه عمران و آبادی و کمک به طبقات فعال جامعه به مصرف می رسانیدند، مؤدیان مالیاتی مجبور نمی شدند با نرخ صدی چهل از بانکداران پول قرض کنند. ادامه همین سیاست اقتصادی به شورش و قیام بابل، مصر و دیگر کشورهای خاورمیانه منتهی شد و زمینه را برای پیروزی سیاست اسکندر فراهم کرد. داریوش سوم پس از نبرد «گوگمل» گفته بود: «بگذار این ملت حریص (مقدونی و یونانی) که از دیرگاهی تشنه خزاین من است در طلا تا گلو فرو رود» (همان، ۸۰). اگر

داریوش سوم و پادشاهان پیش از او به جای گردآوری شمش های طلا و ظلم و ستم بر ملل تابع، از سیاست ارفاق آمیز کورش پیروی می کردند، اسکندر فکر تجاوز به خاک ایران را به خود راه نمی داد. ولخرجی شاه و درباریان را حد و حدودی نبود. به طوری که از کتیبه های میخی مکشوفه برمی آید، حکومت هخامنشی از دوره داریوش به بعد برای تأمین راحت و آسایش خود، اخذ مالیات و خراج نواحی مختلف کشور را به مقاطعه کارانی نظیر «اگیبی» و پسران و «موراشو» و پسران و عده ای دیگر واگذار می کرد و این مقاطعه کاران تجارت پیشه، خراج هر محل را به پول نقره گرد می آوردند و به خزانه شاهی تحویل می دادند. ولی بندگان و مشتریان آن تجارتخانه ها نه تنها خراج از مردم می ستاندند، بلکه به معنی صحیح کلمه اهالی را لخت و غارت کرده و ایالتی را از هستی ساقط می کردند. از کتیبه های میخی قرن پنجم چنین برمی آید که یکی از مأموران ایرانی علیه اعمال این تحصیل داران خراج، شکایت کرد و خطر محاکمه و محکومیت ایشان پیش آمد، ولی موراشو و پسران بهتر آن دیدند که رشوه کلانی به مأموران بدهند و از دادگاه و دادرسی نجات یابند (پتروشفسکی و همکاران، ۱۳۵۳، ۷).

به تصور امستد، چون مالیات های سنگین را از زروسیم می گرفتند، عده کثیری از ملک داران که قادر به پرداخت باج نبودند ناچار برای تهیه سیم و زر املاک خود را نزد وام دهندگان نابکار به گروگان می دادند. ادامه این سیاست ظالمانه از طرف سلاطین و

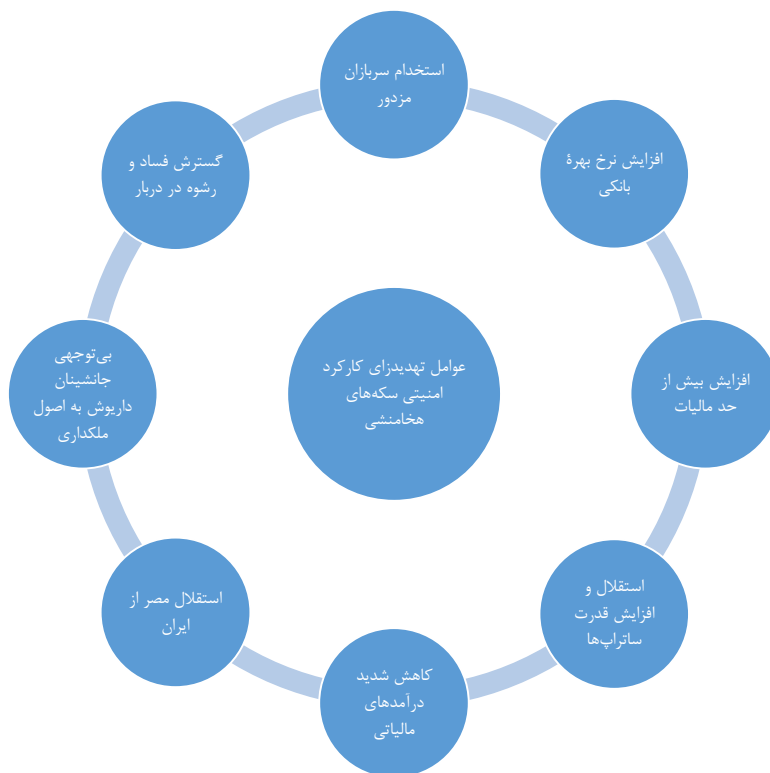
و به استقرار قوای اسپارت در آکروپل رضایت داد. به این ترتیب جنگ پلوپونز با شکست آتن خاتمه یافت؛ این در حالی بود که آتن توانسته بود مدت‌ها در برابر قوای دولت‌های یونانی که از کمک سکه‌های پارسیان برخوردار بودند، پایداری کند (پیرنیا، ۱۳۸۸، ۱۲۱۱؛ سامی، ۱۳۸۹، ۲۰۸).

در عصر جنگ‌های پلوپونز بخش عمده سپاه ایران را اجیران و مزدوران تشکیل می‌دادند؛ افرادی که در برابر دریافت پول می‌جنگیدند و اغلب به دلیل الزام و اجبار وارد خدمت می‌شدند. حضور مزدوران موجب ضعف و انحطاط ارتش شد؛ شورش‌های پی در پی مردم کشورهای تابعه، شکست‌های نظامی و قیام شهربانان با کمک مزدوران یونانی، اردشیر اول را به بازبینی بنیادی سیاست خود در قبال یونان واداشت. اردشیر پی برد که یونان تقسیم شده و هیچ تهدیدی برای دولت پارس نخواهد بود. بنابراین، پرداخت رشوه برای بی‌اعتبار کردن سران سیاسی یونان، در دستور کار اردشیر قرار گرفت. اردشیر سیاست دولت هخامنشی را بین سال‌های ۶۴۶ تا ۴۴۹ ق.م براساس تفرقه‌اندازی قرار داد، بدین ترتیب که از طریق تطمیع، اسپارتیان را علیه آتنیان و آتنیان را علیه اسپارتیان تحریک می‌کرد (سامی، ۱۳۸۹، ۲۰۸).

«اردشیر اول» از طریق سیاست «نفوذ طلای ایران در دولتمردان آتن»، سعی کرد نظرات موافق آنان را نسبت به پارسیان جلب کند و فضای رعب‌انگیز ترس از ایران را در همه یونان حاکم کرده و به یونان تفهیم کند که ارتش جدیدی از پارسیان به رهبری فرزند خشایارشا به یونان نخواهد آمد. ایران، در این زمان، طلای

زمامداران حکومت هخامنشی به عقیده امستد موجب پیداشدن تورم و بالا رفتن قیمت‌ها و فلاکت و بیچارگی مردم زبردست شد (امستد، ۱۳۹۳، ۴۵۶)؛ (تصویر ۲).

سیاست تقسیم سکه‌های طلای دریکی و جنگ‌های پلوپونز
 پس از مرگ «تیمستوکل» و اخراج «سیمون» از کشور، روابط آتن و اسپارت روز به روز به سردی بیشتر گرایید. آتن در زمان پریکلس ۴۶۱ ق.م تبدیل به قدرت دریایی برتر تبدیل شده بود. از دیگر علل وقوع جنگ پلوپونز می‌توان به این مورد اشاره کرد که پس از اتحاد دلووس، دولت آتن دیوارهای عظیم و بنا در آن ساخت و دارای نیروی دریایی قوی شد، ولی طولی نکشید که این قوت آتن باعث تشویش همسایگان او مانند تب و کرنه شد و چون اسپارت هم با نظر خصومت به قدرت آتن و دیوارهای ساخته‌شده در آن می‌نگریست، بتی‌ها و کرنه‌ها بالطبع متمایل به اسپارت شدند و با آن عهد و پیمانی بستند تا از بزرگ شدن آتن جلوگیری کنند و به این ترتیب در سال ۴۳۱ ق.م جنگ پلوپونز بین آتن و اسپارت شروع شد، تا اینکه سرانجام، اسپارت اداره جنگ را به فرمانده خود «لیزاندروم» واگذاشت. لیزاندروم چنان ضربتی به دشمن وارد کرد که منجر به سقوط آتن شد. اسپارت بیشتر شهرها و جزایر آتن را به تصرف درآورد. خزانه آتن خالی بود و آرسیتوکرات‌ها نیز هواخواه صلح و اتحاد با اسپارت بودند. در سال ۴۰۴ ق.م آتن شرایط صلح را پذیرفت، حصارهای خود را ویران کرد، از تمام متصرفات خود چشم پوشید، حکومت دموکراسی را ترک گفت



تصویر ۲. عوامل تهدیدزای کارکرد امنیتی سکه‌های هخامنشی. مأخذ: خدادادیان، ۱۳۸۶؛ هینتس، ۱۳۸۹ و کخ، ۱۳۸۶.

به کار می‌بردند که در مجموع به یک هدف می‌رسید. اسپارته‌ها سرانجام با تیسافرن پیمان‌نامه‌ای در سال ۴۱۴ ق.م انعقاد کردند که براساس آن: ۱. تمام شهرها و سرزمین‌هایی که قبلاً در دست پارسیان بود، بار دیگر به کنترل پادشاه پارس درمی‌آمد. ۲. مقرر شد شاه هخامنشی و اسپارته‌ها، نیروهای خود را برای ممانعت آتنی‌ها از اخذ مالیات در این مناطق ادغام کنند. ۳. جنگ با آتن را تنها با توافق یکدیگر مختومه اعلام کنند. ۴. هر شهر یا منطقه‌ای نیز که علیه شاه قیام می‌کرد، به منزله دشمن اسپارت تلقی می‌شد. ۵. پادشاه نیز متقابلاً یاعیان علیه لاسدمونی‌ها را دشمن خویش می‌پنداشت. پارسیان تأمین مالی اسپارته‌ها را بر عهده گرفتند. محتوای این پیمان چندان خوشایند اسپارت نبود (پیرنیا، ۱۳۸۸، ۹۵۶)؛ (جدول ۲).

نتیجه‌گیری

سکه در طول تاریخ علاوه بر نقش اصلی‌اش که تسهیل امر تجارت و مبادلات کالا بود، وسیله و ابزاری امنیتی و تبلیغاتی در دست شاهان نیز تلقی می‌شد. در دوره هخامنشی مهم‌ترین سکه‌هایی که ضرب می‌شد، دارای کارکرد امنیتی و عبارت از «سکه‌های شاهی» و «سکه‌های ساتراپی» بودند. در طول حکومت هخامنشی، تعداد ساتراپ‌ها و جایگاه سیاسی آنها دچار تغییرات مکرری شد که در بسیاری موارد می‌توان این تغییرات را در مطالعه سکه‌ها و کتیبه‌ها مشاهده کرد. سیاست تقسیم سکه در کنار جدایی مصر از ایران و افزایش قیمت کالاهای اساسی، از عوامل تهدیدکننده بسیار مهم کارکردهای امنیتی سکه‌های هخامنشی بوده است. از زمان اردشیر اول و با شروع جنگ‌های پلوپونز، دولت ایران با کمک سکه‌های طلائی خود سیاست تفرقه‌اندازی را در پیش گرفت و در واقع، پادشاه ایران با این شیوه که تاکتیک نوین دیپلماتیک بود، نه تنها در امور داخلی یونان دخالت کرد، بلکه یونانی‌ها را از سرازیر شدن به مرزهای ممالک زیر سلطه خود دور نگه داشت و این سیاست همچنان ادامه پیدا کرد تا در زمان داریوش دوم که او نیز به‌واسطه

خود را به جانب یونان سرازیر می‌کرد؛ بدین ترتیب که هریک از طرفین که ضعیف می‌شد، ایران به آن طرف گرایش می‌یافت و کمک می‌کرد تا این جنگ‌ها ادامه یابد و هخامنشیان بتوانند منافع خود را در منطقه، بدون دغدغه خاطر، جنگ و خونریزی، حفظ کنند. برای اردشیر دیگر نیازی به شمشیر پیش نیامد، چرا که طلاهای شاه و وعده‌های طلائی او حتی پیش از مذاکرات کالیاس و جنگ‌های پلوپونز، یونانی‌ها را از فتنه‌جویی در مرزهای غربی کشور باز می‌داشت و یونانی‌ها در این دوره به بوی طلا و طمع جاه به دربار شاه یا حرم ساتراپ‌های ایرانی آسیای صغیر جلب می‌شدند. روشی که اردشیر به کار می‌برد، استراتژی جدیدی بود که تا آن زمان در روابط دیپلماتیک کشورها به کار نرفته بود و یا اگر کارایی داشت، شناخته شده نبود (پیرنیا، ۱۳۸۸، ۱۲۱۲)؛

سامی، ۱۳۸۹، ۲۰۹). اردشیر اول در دسامبر ۴۲۴ ق.م درگذشت. «واخوس» شهربانی هیرکانی پسر اردشیر اول از یک همخوابه بابلی، در ۱۳ فوریه ۴۲۳ ق.م با نام «داریوش دوم» خود را پادشاه پارس خواند. منازعات داخلی یونان به شاه این فرصت را داد تا طلائی ایران را همچون حربه‌ای قاطع در یونان به کار اندازد و با توسعه اختلافات آتن و اسپارت هردو را ضعیف کند. در این ایام، در حالی که جنگ‌های پلوپونز به اوج شدت رسیده بود، اسپارت می‌کوشید تا برای از بین بردن حریف نیرومند خویش یعنی آتن، از طلائی داریوش استفاده کند. روانه‌ساختن سکه‌های طلائی ایرانی به جای سربازان ایرانی به آن سوی مرز و تطمیع هریک از طرفین مخاصمه، کار را بر یونانی‌ها مشکل و بر ایرانی‌ها آسان می‌ساخت. بی‌آنکه بین ایران و یونان درگیری رخ دهد، طلائی ایران برای اغوای آتن علیه اسپارت، به کار می‌رفت. با صرف طلا و رشوه تنور جنگ گرم نگاه داشته می‌شد. اسپارت وضع ممتاز خود را براساس شیوه دیپلماتیک شاهنشاه ایران از دست داد، ولی به پادشاه آن، طلائی فراوان دریافت کرد. شاه، با طیب خاطر، نقش یک بانکدار بین‌المللی را بر عهده گرفت. «تیسافرن» و «فرناپاز» دو تن از سیاستمداران پارس - سیاست جداگانه‌ای را برای تضعیف یونان

جدول ۲. پیامدهای سیاست تقسیم سکه طلائی شاهان هخامنشی در جنگ‌های پلوپونزی. مأخذ: نگارندگان.

ردیف	پیامدهای مثبت	پیامدهای منفی
۱	ایجاد آرامش در ملل تابعه منطقه آسیای صغیر	غفلت از تربیت امور اداری و مالی منطقه آسیای صغیر
۲	درگیری بین دولت - شهرهای یونانی	اتحاد بین دولت - شهرهای یونانی در زمان حمله اسکندر به ایران و عدم کارایی سیاست تقسیم سکه‌های طلا
۳	کنترل ممالک تابعه توسط پادشاهان اردشیر اول، داریوش دوم، اردشیر دوم و اردشیر سوم توسط استخدام سربازان مزدور	شورش ملل و ضعف هخامنشیان در اثر سیاست استخدام سربازان مزدور
۴	گسترش و رونق تجارت در امپراتوری هخامنشی	گسترش و رونق تجارت در امپراتوری هخامنشی
۵	کارایی سیاست سکه‌های طلا در حربه سیاسی	عدم کارایی سیاست تقسیم سکه‌های طلا در زمان داریوش سوم و سقوط هخامنشیان
۶	ساماندهی در اخذ مالیات	ناتوانی در اخذ مالیات به دلیل شورش ملل تابعه به ویژه مصر

- دادور، ابوالقاسم و مکوندی، لیلا. (۱۳۹۱). بررسی طرح تاج شاهان هخامنشی در سکه‌های ایران از دوره هخامنشی تا ساسانی، هنرهای زیبا، (۵۰)، ۵-۱۴.
- رضایی باغ بیدی، حسن. (۱۳۹۱). پیدایی و آغاز ضرب سکه در ایران، کتاب ماه تاریخ و جغرافیا، (۱۷۸)، ۲-۹.
- سامی، علی. (۱۳۴۳). تمدن هخامنشی. شیراز: دانشگاه شیراز.
- سامی، علی. (۱۳۸۹). تمدن هخامنشی. تهران: دانشگاه تهران.
- فرای، ریچارد نلسون. (۱۳۹۳). میراث باستانی ایران (ترجمه مسعود رجب بنا). تهران: علمی و فرهنگی.
- فیضی، فرزاد؛ منتشری، مهران و محمدی لورون، مهری. (۱۳۹۶). مطالعه و بررسی نقوش سکه‌های ساتراپ‌های دوره هخامنشی، پژوهش در هنر و علوم انسانی، ۲(۴)، ۱۲۱-۱۳۴.
- کخ، هاید ماری. (۱۳۸۶). از زبان داریوش (مترجم پرویز رجبی) تهران: نشر کارنگ.
- گرانوفسکی، دانداما یوف. (۱۳۸۹). تاریخ ایران از زمان باستان تا امروز (ترجمه کیخسرو کشاورزی). تهران: نشر مروارید.
- گرشویچ، ایلیا. (۱۳۸۵). تاریخ ایران دوره هخامنشیان از مجموعه تاریخ کمبریج (ترجمه مرتضی ناقب‌فر). تهران: نشر جامی.
- گیرشمن، رومن. (۱۳۷۲). ایران از آغاز تا اسلام (ترجمه محمد معین). تهران: علمی و فرهنگی.
- لمبتون، آن. ک. س. (۱۳۳۹). مالک و زارع در ایران (ترجمه منوچهر امیری). تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب.
- ملکزاده بیانی، ملکه. (۱۳۸۸). تاریخ سکه از قدیم‌ترین ایام تا دوره ساسانیان. تهران: دانشگاه تهران.
- هینتس، والتر. (۱۳۸۹). داریوش و پارس‌ها؛ تاریخ فرهنگ ایران در دوره هخامنشیان (ترجمه عبدالرحمن صدیقه). تهران: انتشارات امیر کبیر.

سیاست‌های خود نقش بانکدار بین‌المللی را ایفا می‌کرد و دولت-شهرهای آتن و اسپارت را به جان هم می‌انداخت. به گواهی منابع تاریخی، همان‌گونه که شروع این جنگ‌ها با پشتیبانی دولت ایران بود، پایان آنها هم با نظر دولت ایران و سیاست تقسیم سکه ایران صورت می‌پذیرفت. خلاصه آنکه سکه‌های ایرانی از شمشیر سربازان نظامی برنده‌تر و از هر جنگی خانمان‌سوزتر بود. به بیان دیگر، همان‌گونه که ضرب سکه در ایجاد امنیت داخلی مؤثر افتاد، در ایجاد ناامنی میان دولت‌های رقیب و متخاصم نیز مؤثر واقع شد.

فهرست منابع

- آورزمانی، فریدون و سرافراز، علی اکبر. (۱۳۸۰). سکه‌های ایران. تهران: سمت.
- آورزمانی، فریدون. (۱۳۸۰). نگرشی بر پیشینه نهادند به استناد سکه نوشته‌ها، مجله فرهنگ، ۳(۹)، ۶۸-۸۱.
- اومستد، آلبرت تن ایک. (۱۳۹۳). تاریخ شاهنشاهی هخامنشی (ترجمه محمد مقدم). تهران: امیرکبیر.
- بابلون، ارنست. (۱۳۸۸). سکه‌های ایران در دوران هخامنشی (ترجمه ملکزاده بیانی و خانابای بیانی). تهران: نشر پازینه.
- بیانی، شیرین. (۱۳۸۱). تاریخ ایران باستان از ورود آریائی‌ها به ایران تا پایان هخامنشی. تهران: سمت.
- پطروشفسکی، ای. پ.، پیگولوسکایا، ن. و.، یاکوبوسکیف آیو، بلنیتسکی، آم. و ل. و استروبووا. (۱۳۵۳). تاریخ ایران از دوران باستان تا پایان سده هجدهم (ترجمه کریم کشاورز). تهران: پیام.
- پیرنیا، حسن. (۱۳۸۸). تاریخ ایران باستان. تهران: نگاه.
- خدادادیان، اردشیر. (۱۳۸۶). تاریخ ایران باستان. تهران: نشر سخن.

COPYRIGHTS

Copyright for this article is retained by the author (s), with publication rights granted to the journal of art & civilization of the orient. This is an open-access article distributed under the terms and conditions of the Creative Commons Attribution License (<https://creativecommons.org/licenses/by/4.0/>).



نحوه ارجاع به این مقاله
عبادی جامخانه، رضا؛ فروزش، سینا و فرهادی، محمد. (۱۳۹۹). عوامل تقویت و تهدید کارکردهای امنیتی سکه‌های دوره هخامنشیان (۵۵۹-۳۳۰ ق.م). مجله هنر و تمدن شرق، ۸ (۳۰)، ۲۵-۳۲.

DOI: 10.22034/jaco.2020.225997.1156

URL: http://www.jaco-sj.com/article_105123.html

